

تناقضات ابن تیمیہ

تناقضات ابن تیمیه

توسل و اعتقاد به آن به عنوان یک سنت و یک اصل در دین اسلام و مورد قبول بسیاری از اصحاب رسول خدا و پیشوایان مذاهب چهار گانه است و تنها فرقه ای که مخالف این اصل است وهابی ها هستند. اخیراً کتاب هایی از سوی مخالفان توسل چاپ شده که در آن توسل و اعتقاد به آن را نوعی اختلاف میان شیعه و سنی بیان کرده است. در حالی که ریشه اختلاف ابن تیمیه و وهابی ها هستند و اگر از ابن تیمیه و پیروانش صرف نظر کنیم کلیه فرق اسلامی در اصل توسل (و دیگر مسایل که برخی از آنها گذشت و برخی دیگر خواهد آمد) وحدت نظر دارند. در این بحث برآنیم که با یکی از قواعد فقهی تحت عنوان اجماع، به سراغ مساله توسل رفته و از این نظرگاه، نگرش اندیشمندان و علمای مسلمان غیر وهابی را در این مساله جویا شویم.

در گفتار پیشین به این مهم پرداختیم که مساله توسل به عنوان یک سنت و یا یک اصل در دین اسلام، مورد توجه بسیاری از صحابه رسول خدا، خلفای راشدین، و پیشوایان مذاهب چهارگانه اهل سنت بوده و همگان خود را به اتیان این سنت برای تقرب و جلب رضایت خداوند متعال ملزم می دانستند.

این در حالیست که کتاب هایی که اخیراً از سوی مخالفان توسل منتشر می شود، رسم توسل به صالحان را، نوعی اختلاف میان سنی و شیعه! قلمداد می کند، در حالی که اختلاف در مساله ربطی به تسنن و تشیع ندارد، بلکه اختلافی است میان وهابی ها و پیروان ابن تیمیه با دیگر فرق اسلامی (اعم از شیعه و سنی). ابن امر، حاکی از این است که ریشه اختلاف، این دو نفرند و اگر از این دو نفر و پیروان آنها صرف نظر کنیم کلیه فرق اسلامی در اصل توسل (و دیگر مسایل که برخی از آنها گذشت و برخی دیگر خواهد آمد) وحدت نظر داشته و میان آنان اختلافی وجود ندارد. در این بحث برآنیم که با یکی از قواعد فقهی تحت عنوان اجماع، به سراغ مساله توسل رفته و از این نظرگاه، نگرش اندیشمندان و علمای مسلمان غیر وهابی را در این مساله جویا شویم، تا اصل مساله اختلاف وهابیت با دیگر مذاهب اسلامی را روشن و مبین سازیم.

توضیح کوتاهی پیرامون اجماع

اجماع در فقه به هم رأی بودن علمای مذهبی در امری دینی گفته می شود. اجماع منبع سوم در فقه اسلام برای به دست آوردن احکام اسلامی است. در معنای تخصصی به اتفاق نظر خاص علماء گفته شده، و در اصطلاح فقه به اتفاق «فقها» یا «اهل حل و عقد» بر یکی از احکام شرع یا سنتهای اسلامی گفته می شود.

اجماع در موارد زیر به صورتی تخصصی تعریف شده است:

- 1- اتفاق نظر فقهاء مسلمان بر یک حکم شرعی.
- 2- اتفاق نظر صاحب نظران و کارشناسان مسلمان بر یک حکم شرعی.
- 3- اتفاق نظر امت پیامبر اسلام (ص) بر یک حکم شرعی.

بر اساس فقه اهل سنت، مساله اجماع در ردیف کتاب و سنت از مبانی استنباط احکام است، اما در فقه جعفری (شیعه) منبع مستقلى برای استخراج احکام نیست، بلکه از آن جهت که موافقت معصوم را نشان می دهد، معتبر است.

ابو علی خلال، دانشمند معروف حنبلی می گفت: «هیچ امر مهمی برای من اتفاق نیفتاد جز آن که قصد قبر موسی بن جعفر را کردم و به او متوسل شدم تا آن که خداوند متعال برای من آنچه را که دوست داشتم تسهیل نمود.

ابن تیمیه و ادعای دروغ اجماع در نهی توسل

چنانچه در گفتار قبلی گذشت، با نیم نگاهی به تاریخ، سیره و سیر تطورات سنن و اندیشه های اسلامی در قرون اول طلوع نورانی دین اسلام، این مهم به روشنی آشکار می شود، که از دیرباز توسل به پیامبر و صلحا، به عنوان فضیلتی در کارنامه رفتاری صحابه و خلفای راشدین و همینطور ائمه چهارگانه مذاهب اهل سنت ثبت شده است، بطوریکه آنان علاوه بر اتیان این سنت الهی و فضیلت اسلامی، دیگران را نیز دعوت به توسل و تمسک به انبیاء و اولیاء، در هنگام حیات و بعد از آن، می نمودند.

عجیب اینکه ابن تیمیه موسس فکری وهابیت، اولین نفری است که به زعم خویش، با نادیده انگاری این همه شواهد تاریخی و روایات معتبر عامه، حکم به بدعت و شرک بودن توسل را صادر نموده است. جالب توجه اینکه وی مدعی است که این دیدگاه را با پشتوانه ای خیالی و موهوم، از آراء صحابه، علماء و اندیشمندان دینی جهان اسلام اخذ نموده و با پافشاری، و تعصبی خاص بر روی عقیده باطل خویش می نویسد: «خطاب میت در قبر یا خطاب غایب به این که از خداوند برایم چیزی بخواه، یا برایم در نزد خدا شفاعت کن، یا از خدا بخواه تا بر دشمنم غالب شوم، یا خواستن بخشش از خداوند و... مخالف اجماع صحابه و تابعین است؛ آنها بعد از رحلت پیامبر چنین درخواست هایی نکرده اند! و ائمه مسلمین در کتاب های خود ذکر نکرده اند!» (1).

وی در ادامه این عبارت از این سنت الهی با عنوان بدعت یاد کرده و چنین می گوید: «خطاب ملائکه، انبیا و صالحان در حال غیبت یا بعد از مرگ مانند شرک مشرکان، بدعتی از جانب مسلمانان است که خدا به آنها اجازه نداده است، زیرا خواندن انبیا در حال غیبت و بعد از مردن و سؤال و استغاثه به آنها و طلب شفاعت از آن امور در دین است که خداوند جعل نکرده است و هیچ امامی از مسلمانان به آن دستور نداده است.» (2).

دروغ پردازی و گزافه گوئیهای وی به حدی است که کاملاً چشم خود را بر روی حقیقت بسته، و با ایراد نسبت های دروغ و ساخته و پرداخته خویش، غافل از آیات قرآن کریم و روایات نبوی، نظریه مطرود خود را به انبیاء الهی منتسب ساخته و می گوید: «انبیای پیشین، این امور را مشروع نمی دانستند، هیچ صحابی و مسلمانی و ائمه اربعه، در مشکلاتشان از انبیا کمک نخواستند. بنابراین درخواست شفاعت، توسل و دعا به وسیله انبیا نه واجب است نه مستحب و هر امر جدیدی که واجب یا مستحب نباشد به اتفاق مسلمانان بدعت است!» (3)

دعای توسل

اجماع علمای اهل سنت بر مشروعیت توسل

با اندکی مطالعه و تفحص در روش شناسی فقهی اهل سنت درباره مساله اجماع، چنین به دست می آید که: اجماع در صورتی حاصل می شود، که مسلمانان و یا اهل حل و عقد (بزرگان بلد و کسانی که امور مردم به دست آنها می باشد) بر سر مسئله ای به توافق برسند و تصمیم بگیرند، و چنانچه حتی اگر یکی از اهل حل و عقد با آن مخالفت نماید اجماع واقع نمی شود. (4)

در این صورت اگر یکی از صحابه با موضوعی مخالفت نماید، و یا اینکه این یقین حاصل نشود که موضوع، مورد توافق تمام افراد صحابه بوده، و آنها به آن موضوع اقرارنموده باشند، این مسئله اجماعی نیست و هرکه درچنین موردی ادعای اجماع نماید دروغ گفته است (5) لذا ادعای اینکه اجماع رای اکثریت می باشد نیز با تعریف فوق غلط است.(6)

بر این اساس دراین بخش برآنیم تا نظریات صریحی را که ابن تیمیه و اخلاف او، از آنها به اجماع تعبیر می کنند، را مطرح ساخته و بطلان دیدگاه وهابیت را به اثبات برسانیم:

1- خطیب بغدادی از علمای بزرگ اهل سنت از توسل یکی از بزرگان مذهب حنبلی به قبر نورانی امام کاظم حکایت داشته و می نویسد: ابو علی خلال، دانشمند معروف حنبلی می گفت: «هیچ امر مهمی برای من اتفاق نیفتاد جز آن که قصد قبر موسی بن جعفر را کردم و به او متوسل شدم تا آن که خداوند متعال برای من آنچه را که دوست داشتم تسهیل نمود.» (7)
2- دکتر عبدالملک سعدی در کتاب خویش با عنوان البدعة فی مفهومها الاسلامی نوشته است:

هر گاه کسی بگوید: «اللهم انی توسلت إلیک بجاه نبیّ أو صالح»، کسی نباید در جواز آن شک کند؛ زیرا جاه همان ذات کسی نیست که به او توسل شده، بلکه مکان و مرتبه او نزد خداوند است و این حاصل و خلاصه اعمال صالح او است. خداوند متعال در مورد حضرت موسی (علیه السلام) می فرماید: {وَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا} (8) و نزد خدا آبرومند بود. (9)

3- عبدی قیروانی، نیز از بزرگان مالکیه (متوفای 731) در باب این مساله چنین نگاشته است: کسی که به زیارت حضرت رسول رود و به ساحت او متوسل و پناهنده شود و حاجت بخواهد، مایوس نخواهد شد؛ چرا که آن حضرت، شافع مشفع است و توسل به او موجب ریزش و آمرزش گناهان می شود. هرکس درآستان آن حضرت بایستد و به او متوسل شود. خداوند را بخشنده و مهربان خواهد یافت. (10)

4- زینی دحلان مفتی وقت شهر مکه نیز با حمله به اندیشه ها و اعتقادات وهابی آنها، رویه آنها را در بوته نقد قرار داده و می نویسد:

اخبار امام رضا(ع) از حضرت خضر

«هر که ذکر های پیشینیان و دعاها و اوراد آنان را دنبال کند، در آنها مقدار زیادی توسل به ذوات مقدسه می یابد. و کسی هم بر آنان ایراد نگرفت، تا اینکه این منکران (وهابیان) آمدند. و اگر قرار باشد که نمونه های توسل را جمع کنیم کتابی عظیم می شود...» (11)

5- ابن حبان، اندیشمند اهل سنت نیز در این باره، در کتاب الثقات، ذیل شرح زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیهم السلام چنین می گوید:

علی بن موسی الرضا و هو علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب أبو الحسن من سادات أهل البيت و عقلائهم و جلة الهاشميين. .. أماتنا الله علی محبة المصطفى و أهل بيته الله علیه و علیهم أجمعین... (12)

علی بن موسی الرضا از بزرگان و عقلا و نخبگان و بزرگواران اهل بیت و بنی هاشم است. اگر از وی روایتی شود، واجب است حدیثش معتبر شناخته شود... من به دفعات قبر ایشان را زیارت کرده ام. زمانی که در طوس بودم، هر مشکلی برایم رخ می داد، قبر علی بن موسی الرضا را - که درود خدا بر جدش و خودش باد - زیارت می کردم و برای برطرف شدن مشکلم دعا می کردم و دعایم مستجاب و مشکلم حل می شد. این کار را به دفعات تجربه کردم و جواب گرفتم. خداوند ما را بر محبت مصطفی و اهل بیتش - که درود خدا بر او اهل بیتش باد - بمیراند.»

6- ابن جوزی از علمای اهل سنت (متوفای 597 هـ. ق) مدتی قبل از ابن تیمیه در مورد جواز

توسل به پیامبر(ص) در کتاب معروفش به نام «الوفاء فی فضائل المصطفی» فصلی را باز کرده و در بابی تحت عنوان «التوسل بالنبی» احادیث و اقوال زیادی را ذکر کرده که نشان دهنده جواز توسل از نظر او است. (13) از جمله این که ابن جوزی در کتاب مناقب احمد حنبل به نقل از عبدالله ابن موسی می نویسد: "من و پدرم به زیارت قبر احمد می رفتیم و به او متوسل می شدیم تا حاجت مان برآورده شود. (14)

توسل به پیامبر و صحابه، عنوان فضیلتی در کارنامه رفتاری صحابه و خلفای راشدین و همینطور ائمه چهارگانه مذاهب اهل سنت ثبت شده است، بطوریکه آنان علاوه بر اتیان این سنت الهی و فضیلت اسلامی، دیگران را نیز دعوت به توسل و تمسک به انبیاء و اولیاء، در هنگام حیات و بعد از آن، می نمودند

7- سمهوری عالم معتبر اهل سنت نیز اگرچه از نظر زمانی، بعد از ابن تیمیه بوده است، با این حال در کتاب وفاء الوفاء می نویسد: «استغاثه و طلب شفاعت به وسیله نبی به سوی پروردگار از اموری است که پیامبران الهی انجام می دادند و سیره سلف صالح نیز بر جواز آن بوده، چه قبل از خلقت پیامبر چه در زمان حیات چه در برزخ چه در قیامت». وی قضیه پیامبر... در هنگام دفن فاطمه بنت اسد و دعا برای او با وسیله قرار دادن حق خود و پیامبران پیشین و نیز داستان عثمان بن حنیف را نقل می کند که به مرد نیازمند کیفیت توسل به پیغمبر... و واسطه قراردادن او را در نزد خداوند یاد داده است. وی این عمل عثمان و بقیه صحابه را به خاطر اعلمیت آنها دلیل بر جواز می داند. (15)

نتیجه

گذشته از مواردی که از سیره عملی علما و بزرگان اهل سنت قبل و بعد از ابن تیمیه ذکر شد، روایات زیادی در جواز توسل، در جوامع روایی اهل سنت نقل شده است که خود می تواند شاهی باشد بر این که آنها قائل به جواز توسل بوده اند. که این دلیل بر استقلال علماء بزرگ اهل سنت و عدم تأثیر پذیری آنان از آراء ابن تیمیه است. از سویی دیگر بطلان ادعای دروغ ابن تیمیه نیز بر همگان آشکار می شود که علمای اهل سنت به توسل به صحابه، چه در طول حیات، و بعد از وفات، اعتقاد داشته و نه تنها مردم را از این سنت اسلامی بر حذر نمی داشتند، بلکه از این سنت به عنوان فضیلتی دینی یاد نموده و آنان را بر این سنت حسنه فرا می خواندند.

1- 1492 3- 1514 2131 5- 521 976- 220 8961 , 7- 1
1208 -69 9- 4510 1 258 - 5 112.11 - 3112 1393 8 45613 « »
14- () 29715 - 4 1371-1373